

در ژاپن سگ معروفی با نام هاجیکو به دنیا آمد که زندگی و منش او به افسانه ای از یاد نرفتنی بدل گشت. هاجیکو سگ سفید نری از نژاد آکیتا که در اوداته ژاپن در نوامبر سال ۱۹۲۳ به دنیا آمد. زمانی که هاجیکو دو ماه داشت به وسیله قطار اوداته به توکیو فرستاده شد.

زمانی که به ایستگاه شیبونی می رسید، قفس حمل آن از روی باربر به پایین می افتد و آدرسی که قرار بود هاجیکو به آنجا برود، گم می شود و او از قفس بیرون آمده و تنها در ایستگاه به این سو و آن سو می رود. در همین زمان یکی از مسافران هاجیکو را پیدا کرده و با خود به منزل می برد و به نگهداری از او می پردازد. این فرد پرفسور دانشگاه توکیو دکتر شاپرو اوئو بود. پرفسور به قدری به این سگ دل بسته می شود که بیشتر وقت خود را به نگهداری از این سگ اختصاص می دهد. دور کردن هاجیکو قلاده ای بود که روی آن عدد ۸ نوشته شده بود (عدد هشت در زبان ژاپنی هاجی بیان می شود و نماد شانس و موفقیت است) و پرفسور نام او را هاجیکو می گذارد. منزل پرفسور در حومه شهر توکیو قرار داشت و هر روز برای رفتن به دانشگاه قطار شیبویی می رفت و ساعت ۴ بر می گشت. هاجیکو یک روز به دنبال پرفسور به ایستگاه می آید و هرچه شاپر از او می خواهد که به خانه برگرداند، هاجیکو نمی رود و او مجبور می شوند که خود هاجیکو را به منزل برساند و از قطار آن روز جا می ماند. در زمان بازگشت از دانشگاه با تعجب می بیند هاجیکو روبروی در ورودی ایستگاه به انتظارش نشسته و با هم به خانه برمی گردند. از آن تاریخ به بعد هرروز هاجیکو و پرفسور باهم به ایستگاه قطار می رفتند و ساعت ۴ هاجیکو جلوی در ایستگاه منتظر بازگشت او می ماند، تمام فروشندگان و حتی مسافران هاجیکو را می شناختند و با تعجب به این رابطه دوستانه نگاه می کردند.

در سال ۱۹۲۵ دکتر شاپرو اوینو در سر کلاس درس بر اثر سگته قلبی از دنیا می رود، آن روز هاجیکو که ۱۸ ماه داشت تا شب روبروی در ایستگاه به انتظار صاحبش می نشیند و خانواده پرفسور به دنبالش آمدند و او را به خانه می بردند. اما روز بعد نیز مثل گذشته هاجیکو به ایستگاه رفته و به منتظر بازگشت صاحبش می ماند و هر بار که خانواده پرفسور جلوی رفتنش را می گرفتند هاجیکو فرار می کرد و به هر طریقی بود خود را راس ساعت ۴ به ایستگاه می رساند. این رفتار هاجیکو خبرنگاران و افراد زیادی را به ایستگاه شیبویی می کشاند، و در روزنامه ها اخبار زیادی درباره او نوشته می شد و همه می خواستند از نزدیک با این سگ با وفا آشنا شوند.

هاجیکو خانواده پرفسور را ترک کرد و شب ها در زیر قطار فرسوده ای می خوابید، فروشندگان و مسافران برایش غذا می آوردند و او ۹ سال هر بعد از ظهر روبروی در ایستگاه منتظر بازگشت صاحب عزیزش می ماند و در هیچ شرایطی از این انتظار دل سرد نشد و تا زمان مرگش در مارچ ۱۹۳۴ در سن ۱۱ سال ۴ ماهگی منتظر صاحب مورد علاقه اش باقی ماند. وفاداری هاجیکو در سراسر ژاپن پیچید و در سال ۱۹۳۵ تندیس یادبودی روبروی در ایستگاه قطار شیبونی از او ساخته شد. تا امروز تندیس برنزی هاجیکو همچنان در ایستگاه شیبونی منتظر بازگشت پرفسور است.

در زمان جنگ جهانی دوم تندیس تخریب شد و در سال ۱۹۴۷ دوباره تندیس جدیدی از هاجیکو در وعدهگاه همیشگیش بنا شد، اگرچه این بنا حالت ایستاده داشت و به زیبایی تندیس اول نبود اما یادبودی بود از وفاداری و عشق زیبای هاجیکو برای مردم ژاپن؛ در سال ۱۹۶۴ تندیس دیگری از هاجیکو همراه با خانواده ای که هرگز، انتظار و عشق اجازه داشتش را به او نداده بود، در اوداته روبروی زادگاه هاش بنا شد.

آقای جیتارو ناکاگوا رئیس جمهور ژاپن انجمن برای حفظ و پرورش نژاد آکیتا به وجود آورد و تندیس به یادبود هاجیکو بنا نهاد.

این داستان حقیقی و باورنکردنی از وفاداری بی حد سگی است که ثابت کرد عشق هرگز نمی میرد و هیچگاه فراموش نخواهد شد.